

حسین مردابیگی (حمه سور)

«دادگاه لازم نیست، درجا بکشید!»

سخنان سران جمهوری اسلامی درباره نسل کشی ۳۰ خرداد سال ۶۰

خرداد 60 یک قتل عام، یک نسل کشی به معنای واقعی بود. 30 خرداد 60 ماشین آدمکشی اسلامی راه افتاد تا یکی از هارترین و جنایتکارترین رژیمهای بورژوازی اواخر قرن بیستم را برای تحمیل بی حقوقی کامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به مردم ایران شکل دهد. در ۳۰ خرداد 1360 به فرمان خمینی و وسیله رفسنجانی ها، خامنه ای ها، بهزاد نبوی ها، محتشمی ها، لاجوردی ها و صفوی ها در کنار محسن رضانی ها، محسنی اژه ایها، خلخالی ها، گیلانی ها و ری شهری ها، خونینی ها و حجاریان ها، بچه های قدیم سپاه و اطلاعات، بکمک گله حزب الله و انصار الله و دیگر اوباش اسلامی، یکی از عظیم ترین فجایع تاریخ بشری را در ایران سازمان دادند تا مردم بحرکت درآمده برای رفاه و آزادی و برابری را به خاک و خون بکشند. از روی لیست زندانیان سیاسی ساواک حکومت سابق انتخاب و شروع کردند. کمونیستها، رهبران شوراهای کارگری، فعالین سازمان های سیاسی و مردم انقلابی را گروه گروه دستگیر و اعدام کردند. هر کس که شکل و شمایلش به چپ شبیه بود، دستگیر میشد و درجا کشته میشد.

برای اطلاع بیشتر از این فاجعه، توجهتان را به گوشه هایی از توحش و بربریت اسلامی از زبان معماران و سازماندهندگان این نسل کشی در ایران جلب میکنم. کسانی که این روزها برای کشیدن مردم پای مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی از دم "دمکرات" شده اند: موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب در مصاحبه ای بمناسبت هفته جنگ که در تاریخ ۲۸ شهریور ۶۰ در روزنامه کیهان چاپ شده است میگوید: "میدانید که این هفته هفته جنگ است ... همین جنگ نبود، جنگ دیگری هم در داخل بود.... در این جنگ (داخلی) ما بیشتر زجر کشیدیم (بیشتر وقت صرف کردیم) تا جنگ با صدام" و ادامه میدهد: "هرکس کوکتل بدست گرفت و در برابر نظام جمهوری اسلامی ایستاد، اینها محاکمه شان توی خیابان است و وقتی دستگیر شدند و به دادستانی رسیدند محاکمه شده اند و حکمشان اعدام است. ... هرکس در خیابان در درگیری و تظاهرات مسلحانه دستگیر شود بدون معطلی همان شب دونفر پاسدار یا مردم شهادت بدهند که آنها در درگیری بوده اند و علیه نظام جمهوری اسلامی قیام کرده اند کافی است، و همان شب اعدام میشود". روزنامه کیهان ۲۹ شهریور سال ۶۰. باز همین جلالد میگوید: "یکی از احکام جمهوری اسلامی این است که هرکس در برابر نظام و امام عادل بایستد کشتن او واجب است، اسیرش را باید کشت و زخمی اش را زخمی تر کرد که کشته شود... این حکم اسلام است. چیزی نیست که ما تازه آورده باشیم". همانجاگیلانی رئیس دادگاه انقلاب اسلامی نیز چنین میگوید: "اما محارب بعد از دستگیر شدن توبه اش پذیرفته نمیشود و کیفرش همان کیفری است که قرآن بیان میکند. کشتن به شدید ترین وجه، حلق آویز کردن به فصاحت بارترین حالت ممکن و دست راست و چپ آنها بریده شود.... اسلام اجازه میدهد که اینها را که در خیابان تظاهرات مسلحانه میکنند دستگیر شوند و در کنار دیوار هماتجا آنها را گلوله بزنند و از نظر اصول فقهی لازم نیست به داگاه بیاورند... اسلام اجازه نمیدهد که بدن مجروح اینگونه افراد باغی به بیمارستان برده شود بلکه باید تمام کشته شود". کیهان ۲۸ شهریور ماه سال ۶۰ سپس در باره پذیرفتن "توبه" میگوید: "پذیرفتن توبه اینها که (در حالت غیر مسلحانه دستگیر شده باشند) خیلی کار مشکلی است. مگر اینکه حاکم شرع علم پیدا کند. ... و یکی از علامت توبه اینها این است که اسرار و مراکز سازمان و مرکز تسلیحاتی را نشان دهند". همانجا. لاجوردی نیز یکی دیگر از جلادان رژیم آشکارا هدف رژیم را از اعدامهای دسته جمعی فوری چنین بیان میکند: "برای اینکه دیگران از این اعدامها درس عبرت بگیرند و بدانند که اگر در تظاهرات مسلحانه دستگیر بشوند جز اعدام کیفر دیگری نخواهند داشت. خلخالی هم که آنهانگام حزب الله داد میزد: "دادگاههای خلخالی ایجاد باید گردد" میگوید: "البته ما کار خود را کرده ایم و بقول معروف بازنشسته شده ایم. اما بالاخره تابع امر امام هستیم. اگر ایشان بفرمایند بله ما قبول میکنیم. حالا در دادگاهها بد کار

نمیکنند. البته اگر ضرورت اقتضاء کند طوری که رفقا نتوانند درست تصفیه بکنند یا در تشخیص مثلا اینکه چه کسی مرتد است، چگونه مهدورالدم است دچار تردید شوند ما حاضریم". کیهان ۲۹ شهریور ماه سال 60.

ربانی املشی دادستان کل کشور نیز میگفت:

"در صورت لزوم باید مانند امام علی روزی چهار هزار نفر از کفار را سر برید. دیگری نیز میگفت که محدودیت سنی و جنسی برای اعدام وجود ندارد. خمینی نیز در هفته جنگ و آغاز سال تحصیلی ۶۰ میگوید: "علیرغم ادعاها و تذکرات گمراه کننده در مورد اولویت جنگ با عراق، بدرستی سرکوب ضد انقلابیون در درجه اول اهمیت قرار داده شده است." خمینی به دانش آموزان اخطار میکند که به هیچگونه مبارزه ای علیه رژیم اسلامی دست نزنند بلکه همکلاسی های خود را به پاسداران و کمیته چپ ها لو دهند و در مورد محاکمه انقلابیون و آزادیخواهان نیز دستور میدهد:

"بی کم و کاست قرآن کریم را اجرا نمایند". بعدها خمینی که جمهوری اسلامی را تثبیت شده می بیند، در دی ماه ۶۱ میگوید: "اکنون حال آرامش است، حال آنست که مردم نسبت به سرمایه هایشان اطمینان داشته باشند، بیایند و سرمایه هایشان را بکار بیاندازند، نترسند، هیچ احدی حق ندارد به سرمایه هایشان دست بزند، اگر در گذشته با هزار مصیبت یک خانه تیمی میگرفتند، ما همین دیشب ۵۰ خانه تیمی گرفتیم. بعد رادیو و تلویزیون جیره خوارش را ملامت میکند و میگوید: " چرا چند کلمه میگویند، آنهم بدون تشکر". همراه اینها شبکه وسیعی از وزرا و روسای دادگاههای انقلاب اسلامی، از فرماندهان سپاه و سران اطلاعات گرفته تا شکنجه گران و قمه کشها و موتور سواران حزب الله تا خیل امام جمعه ها تا مجاهدین انقلاب اسلامی و "خط امامی" های دوآتشه و خاتمی و بهزاد نبوی و محتشمی و جلانی پور و گنجی و باقی و جاریان و دهها تن دیگر از سران دوم خرداد فعلی، مجریان و مبلغین و مشوقین این مسابقه آدم کشی بودند. پادوهای توده ای و اکثریتی نیز بعنوان مدافعین نظام جمهوری اسلامی، رهبران اعتصابات کارگری و دیگر فعالین سیاسی مخالف حکومت اسلامی را به مجریان این نسل کشی لو میدادند و معرفی میکردند.

خرداد 60 را نباید از یاد برد، مردم قاتلین خود را می شناسند، جنایتکاران را می شناسند. جمهوری اسلامی را باید با قیام مردم سرنگونی طلب بزیر کشید. مضحکه انتخابات را باید سر این جنایتکاران خراب کرد. باید سازمندیندگان و دستور دهندگان و مجریان این نسل کشی و نسل کشی های بعدی را که سران فعلی جمهوری اسلامی اند دستگیر و در دادگاههای مردمی محاکمه و مجازات کرد. آن روز چندان دور نیست.